

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٣٨٧ / ٢ / ٢٥

١ - ٥١٤٨



دانشگاه قم  
دانشکده الهیات

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

# نقد، تحلیل و بررسی نظریه‌ی بسط تجربه نبوی

استاد راهنما:

حجة الاسلام والمسلمین دکتر احمد عابدی

استاد مشاور:

دکتر محسن جوادی

دانشجو:

محمد مهدی گودرزی

۱۳۸۷ / ۲ / ۲۵

تابستان ۱۳۸۶

۱۵۰۳۵۹۸

کتابخانه الهیات و کلام اسلامی  
تاسیس ۱۳۸۰

## تقدیم به:

ساجت مقدس رحمت جهانیان محمد مصطفی و خاندان پاک آن عصاره‌ی نبوت و اکسیر هدایت-که  
بزرگترین سلام‌ها و درودها از جانب خدا و خلقش بر او باد.

## چکیده:

هدف از نگارش اثر حاضر دستیابی به نقد علمی و تحلیل مبانی فکری نظریه‌ی بسط تجربه‌ی نبوی که طی یک مقاله در کتابی با همین عنوان بدست آقای دکتر عبدالکریم سروش به چاپ رسیده است، می‌باشد. این پایان‌نامه با روش کتابخانه‌ای تألیف گشته و بخش زیادی از آن حاصل تأملات و نقادیه‌های این جانب می‌باشد. مؤلف مقاله در اثرش با ارائه‌ی نگرشی خاص از وحی سعی دارد تا احکام خاصی را بر آن وضع کند. نگرش مؤلف از وحی مبتنی بر مبحث تجربه‌ی دینی مطروحه در فلسفه‌ی دین است. او پس از طرح این مدعا که وحی نوعی تجربه‌ی دینی است ادعا می‌کند که این تجرب قابل بسط است، بسط آن توسط عارفان و سالکان هم ممکن است از این رو منبع وحی در انزال وحی تابع این بسط می‌باشد. پایان‌نامه حاضر به نقد و بررسی این مدعیات و زیر ساخت‌های فکری آن می‌پردازد.

**کلیدواژه:** تجربه‌ی نبوی - تجربه‌ی دینی - وحی - کشف و شهود - تجربه.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۵	بیان مسأله تحقیق
۵	ضرورت تحقیق
۶	اهداف تحقیق
۶	سؤالات تحقیق
۶	فرضیات تحقیق
۷	پیشینه تحقیق
۱۲	فصل اول: تعاریف و کلیات
۱۳	مبحث اول: تلخیص و تقریر مقاله بسط تجربه دینی
۱۷	فصل دوم: بسط تجربه نبوی در بوطه نقد
۱۸	پیش درآمد
۲۲	مبحث اول: دشواری و اشکالات مربوط به متن مقاله
۳۷	مبحث دوم: مدعیات نظریه بسط تجربه نبوی و نقد آنها
۴۰	ناهماهنگی‌های که دیدگاه بسط تجربه نبوی با عقاید دینی دارد
۴۵	مدعای اول و نقد آن - وحی یک تجربه دینی
۴۶	درباره تجربه دینی
۴۸	ماهیت تجربه دینی
۵۳	تجربه دینی یا تجربه عرفانی
۵۷	کشف و شهود
۵۷	وحی
۶۰	تعریف وحی
۶۵	جمع بندی
۶۶	قیاس شهود یا تجربه دینی با وحی
۶۶	مشترکات
۶۷	بررسی تمایزات
۶۷	حجیت دار بودن
۶۹	رابطه وحی با نبوت
۷۳	نتیجه بحث

۷۶	.....	دلیل نقلی
۷۷	.....	دلایل عقلی
۸۱	.....	در آخر
۸۲	.....	مدعای دوم و نقد آن - ادعای بسط افزونی تجربیات نبوی
۸۵	.....	بررسی گفتار ابن خلدون
۸۷	.....	مقایسه تجربه دینی و تجربه در معنای محاوره‌ای
۹۰	.....	محمد (ص) رسولی امی
۹۲	.....	دلایلی از قرآن
۹۴	.....	نقد و بررسی ادعای سوم یعنی تبعیت وحی از رسول
۹۴	.....	تبیین مدعا
۹۷	.....	نقد و بررسی ادعا
۱۰۴	.....	فصل سوم: تحلیل و بررسی مبانی مسأله بحث تجربه نبوی
۱۰۵	.....	درآمد
۱۰۶	.....	مبحث اول: تحلیل مقاصد و نتایج نظریه بسط تجربه نبوی
۱۱۲	.....	مبحث دوم: بررسی و مقایسه نبوت در اعتقادات اسلامی و در بسط تجربه نبوی
۱۱۴	.....	مبحث سوم: پیامبر (ص) کیست؟
۱۱۶	.....	خصوصیات پیامبران
۱۱۸	.....	عصمت
۱۲۱	.....	مبحث چهارم: نبوت مقامی اکتسابی یا انتسابی
۱۲۲	.....	بررسی قرآنی این فرضیه
۱۲۶	.....	فراگیر بودن دعوت پیامبر
۱۲۷	.....	بررسی عقلی مسأله
۱۲۹	.....	بررسی قرآنی و روایی
۱۳۲	.....	مبحث پنجم: درباره خاتمیت
۱۳۲	.....	تعریف خاتمیت
۱۳۴	.....	علل خاتمیت
۱۳۵	.....	بلوغ بشر به میزان کافی
۱۳۶	.....	اجتهاد ادامه دهنده راه نبوت
۱۳۶	.....	خاتمه
۱۳۸	.....	فهرست منابع و مآخذ
	.....	چکیده انگلیسی

## مقدمه

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ

الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»

**ترجمه:** (او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها) می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند، و به آنان، کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد. هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.)

محمد معشوق خدا، سفیر عرش، خواجه عالم، عصاره‌ی نبوت، اکسیر هدایت، شالوده‌ی انسانیت، هدف خلقت، دریچه‌ی رحمت، بزرگترین سلام‌ها و درودها از جانب خدا و خلقتش بر محضر او و عترتش.

آنچه در پیش است، تلاش قلبی است از این حقیر صغیر برای عرض تحیت و ارادت به خدمت آن امیر خلقت. امید است که مقبول در گاه حضرتش باشد و این کوچکترین را از گوشه برق نگاهش بهره‌مند سازد.

بشریت در تمام ادوار تاریخ با مسأله‌ی بزرگ و سرنوشت‌سازی درگیر بوده است، مسأله‌ای به نام نبوت، خدای متعال هیچ انسانی را بدون تکلیف نیافریده است. از این رو اولین انسانی را که آفرید نبوت بخشید تا بر خود و همسر و فرزندان‌ش حجت باشد. بار و مسئولیت دعوت مردم به خداوند همیشه از بزرگترین و دشوارترین کارهایی بوده که پیامبران بر دوش کشیده‌اند.

امروزه قرن‌هاست که دوره‌ی پیامبری به پایان رسیده، لکن پژواک ندای پیامبران هنوز در این گنبد دوار طنین انداز است.

هم اکنون سه دین توحیدی یهودیت، مسیحیت و اسلام در جهان رسمیت یافته و از پرتفردارترین و بیشترین پیروان برخوردارند. آری خیل عظیمی از جمعیت کره زمین در حال حاضر از مؤمنان این ادیان به حساب می‌آیند، اما آنچه که مهم است ایمان تنها نیست بلکه کیفیت ایمان است. گاهی کیفیت این ایمانها به قدری متفاوت و مختلف است که این سه دین بزرگ را که حول محور توحید تأسیس شده‌اند به دهها و صدها فرقه و نحله تبدیل می‌کند. این بزرگترین مشکلی است که بعد از بحث قبول و دعوت پیامبران بر سر راه ادیان الهی و پیامبران بوده است.

هواپرستی، جهل، دشواری حرکت در مسیر ایمان غالباً باعث این می‌شده که مؤمنان از راه اصلی دین خارج شده از اصول آن تعدی کنند اگرچه همچنان خود را مسیحی، یهودی و یا مسلمان فرض کنند.

دین اسلام به شدت با این تنوع و تکثری که در کیفیت ایمان انسان‌ها راه یافته است، مخالف است و معتقد است برای دیندار بودن تنها باید در مسیری حرکت کرد که مورد تأیید خدا و پیامبر باشد. این را می‌توان در سوره‌ی عظیم‌الشان کافرون مشاهده کرد. زمانی که کافران به پیامبر اسلام پیشنهاد دادند که هر کدام یک سال خدای گروه دیگر را بپرستند پیامبر (ص) با شدت انکار کرد.

این تلاش کسانی است که نه قدرت سرباز زدن از قبول دعوت را دارند و نه اشتیاق حرکت در مسیر آن. به همین جهت سعی دارند تا راهی بیابند که از آن فرار کنند. این موضوع که از همان آغاز به عنوان یک دشواری در راه تحقق اهداف انبیاء به ویژه



پیامبر گرامی اسلام بوده است، اینک و در دوران مدرن شدت بیشتری گرفت. مدرنیته به اقتضای اعتماد پیش از اندازه به ظرفیت عقلی و احساس آدمی که گاه تا سر حد اکتفاء به آن در برابر وحی پیش رفت، ناچار به پذیرش مشروعیت خواسته‌های آدمیان گشت و از این روی ضمن پذیرش نسبی تگرایی در ارزش‌های احساس حیات اخلاقی با صحنه گذاشتن بر تمایلات آدمی که گاهی در لباس عقلانیت در می‌آمد، موجب نابودی بسیاری از ارزشهای الهی و انسانی شد.

مرجع اعمال و افکار انسان مدرن در زندگی تنها خود اوست. خودش می‌خواهد راهش را بیابد، حتی اگر راهش به بیراهه ختم شود.

از دید انسان مدرن همه چیز باید در خدمت نیازهای او باشد، که اگر چنین نباشد از برنامه‌ی زندگی او حذف می‌گردد لذا او دست به گزینش می‌زند و این کار را حتی در حوزه‌ی دین انجام می‌دهد. آنچه را می‌خواهد انتخاب می‌کند و آنچه را نمی‌خواهد بر اساس خواسته‌های خود تغییر می‌دهد. و این بدترین دستاورد مدرنیته برای ملت‌هایی است که بدان دچار می‌شدند. اگرچه مزایای نسبی آن برای حیات بشری بر کسی پوشیده نیست شاهد این مدعا برخی رویکردهای فلسفی در غرب است که خود را مؤمن به خدا می‌دانند ولی واقعیت او را نمی‌پذیرند.

چنین رویکردهایی که گاهی با نام "دین بدون خدای" شناخته می‌شوند تفسیری غیر رئالیستی از ایمان دارند و آن را بیشتر به مقوله‌های روان‌شناختی مانند امید یا جامعه‌شناختی مانند نظم و امنیت اجتماعی فرو می‌کاهند.

بسط تجزیه‌ی نبوی به اعتقاد نگارنده صدای پای مدرنیته است که به عرصه‌ی تفکر و دینداری جامعه‌ی ما وارد می‌شود. البته این مسأله تحرک و پویایی جدیدی در

حوزه‌های فکری و کلامی جامعه بعد از رکود چند صدساله به پا کرده است و این جنب و جوش تازه موجب کشف ابعاد ناشناخته‌ی دینی می‌شود از این جهت خوب است. اما تأمل در لوازم معرفت شناختی چنین نظریه‌ای نشان از پیامدهای ویرانگرای برای تفکر دینی دارد زیرا اندیشه دینی را از وثاقت وحی محروم می‌کند.

اینجانب پس از مطالعه‌ی نظریه‌ی آقای دکتر سروش<sup>۱</sup> و برخی نقدهای آن، ضمن اذعان به اینکه نقادها بعضاً مفید و دقیق بود با این حال احساس نمودم باز هم جا برای قلم‌فرسایی در این باره وجود دارد و شاید حق مطلب چنانکه باید ادا نشده است.

از این رو قلم به دست گرفته و با استعانت از خدای متعال و همکاری و راهنمایی اساتید محترم مشغول به این امر شدم. در این اثر ابتدا به معرفی مفصلی از این نظریه در فصل اول خواهیم پرداخت. سپس در فصل دوم آن را به بوت‌های نقد و نظر خواهیم کشاند و مدعیات مؤلف را بررسی و نقد خواهیم کرد. در فصل سوم به تحلیل و بررسی زیرساخت‌های فکری این نظریه و جواب سؤالات و شبهاتی که از پی آن پیش خواهد آمد می‌پردازیم.

امید دارم این تلاش کوچک موجب بهره‌گیری عزیزان و مایه‌ی قدردانی از اساتید محترم قرار گیرد، و مخاطب عزیز با انصاف یک دانش‌پژوه واقعی و در بی‌طرفی کامل نسبت به این اثر موضع‌گیری نماید.

<sup>۱</sup> او در سال ۱۳۲۴ در شهر تهران به دنیا آمد. تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان علوی گذراند و سپس در دانشگاه تهران به تحصیل در رشته داروسازی پرداخت وی در اوایل دهه ۵۰ شمسی عازم لندن شده و همراه با ادامه تحصیل در رشته شیمی آنالیتیک به مطالعه فلسفه غرب پرداخته و ضمن سخنرانی در کانونی مذهبی پیام امام باره باب آشنایی با سایر مسلمانان دگراندیش را گذراند. در سالهای آخر حکومت پهلوی بود که کتاب «نهاد نا آرام جهان» وی به تألیف در آمده و به اذعان مرحوم شهید رجایی دستمایه‌ای علمی و آکادمیک برای مقابله با ادعاهای ماتریالیستها در زندان شده و جریان مباحثات اعتقادی را به نفع مذهبیهون تغییر داد. فی الواقع حسین کتاب بود که به پیشنهاد مرحوم شهید مطهری توسط رهبر فقید انقلاب اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) مورد مطالعه واقع شده و مراتب تحسین و تأیید آن بر رگوار را موجب گردید. دکتر سروش پس از ملاقات رو در رو با امام در پاریس آماده بازگشت به ایران شد که این امر پس از پیروزی انقلاب به وقوع پیوست. پس از آن بود که ایشان طی چند دور مباحثات نیدنولوژیک به همراه آیت ا... مصباح یزدی در صدا و سیما به مقابله با گروههای منتقد جمهوری اسلامی ایران پرداخت. در این بین بود که با معرفی مرحوم شهید بهشتی و تأیید حضرت امام به عضویت در ستاد انقلاب فرهنگی جهت بازگشایی مجدد دانشگاهها درآمد که این عضویت نیز به سبب اعتراض ایشان به نحوه عملکرد ستاد و بروز اختلاف نظر با اعضای آن دیری نپاییده و با استعفا همراه شد.

## مسأله‌ی تحقیق

پایان‌نامه‌ی حاضر نقد و بررسی بسط تجربه‌ی نبوی است که در مقاله و در کتابی با همین عنوان به دست دکتر عبدالکریم سروش به چاپ رسیده است.<sup>۱</sup> مؤلف در این مقاله نگاه متفاوتی از وحی ارائه داده و بر اساس این نوع نگاه دو ادعا طرح می‌کند. اول آنکه این مقوله یعنی وحی نوعی از تجربه‌ی دینی است که قابل بسط است و دوم آنکه وحی به جهت این بسط تابع پیامبر و جامعه‌ی اوست. ازینرو وی در آخر بحث خود نتایج استخراج می‌کند. یک - ما هم باید این تجربه‌ی پیامبر را در میان خود و جامعه‌ی خود بسط داده به مانند رسول خدا بتوانیم جامعه‌ی خود را اصلاح کنیم. دو - بسط این تجربه در زمان ما که توسط عرفا و سلکا انجام می‌شود می‌تواند تجربیاتی را که پیامبر اکرم در چهارده قرن پیش کسب نموده‌اند متناسب با نیازهای زمان دوباره احیا کند. کار ما در این اثر نقد و بررسی این مدعیات و نتایج حاصل از آن خواهد بود.

## ضرورت تحقیق

مطالبی که مؤلف در مقاله‌ی خود و سپس در گفت‌وگوهایی که بعد از چاپ مقاله با برخی از نشریات حول محور بسط تجربه‌ی نبوی انجام می‌دهد با برخی از عقاید اسلامی و شیعی در تضاد است که از جمله‌ی آنها قاعده‌ی اساسی خاتمیت است. بر

---

<sup>۱</sup> - دیگر آثار ایشان بر این قرار است: علم چیست، فلسفه چیست؟ - تضاد دیالکتیکی - ایدئولوژی شیطانی - تفرج صنع - حکمت و معیشت - قبض و بسط تئوریک شریعت - اوصاف پارسایان - رازدانی و روشنفکری و دینداری - قصه ارباب معرفت فربه‌ترار ایدئولوژی - حکمت و معیشت - درس‌هایی در فلسفه علم الاجتماع - حدیث بندگی و دلبردگی - مثنوی معنوی - مدارا و مدیریت - سیاست نامه - بسط تجربه نبوی - نهاد نا آرام جهان - صراط‌های مستقیم - عاشقانه - آیین شهریار و دینداری - اخلاق خدایان - سنت و سکولاریسم - از شریعتی - ادب قدرت ادب عدالت - ما در کدامین جهان زندگی می‌کنیم؟

هر مسلمان پژوهشگر واجب است تا در حد توان به زدودن شبهات و پاسخ به سؤالات وارده بر این اصل پردازد.

## اهداف تحقیق

هدف اینجانب از تصنیف اثر حاضر پاسخ به شبهات و سؤالاتی است که از پی قبول نظریه‌ی مذکور پیش می‌آید. همچنین نقد و دفع مدعیات نا صحیح مؤلف مقاله در فضایی کاملاً علمی است.

همچنین ایضاح برخی از ابعاد مورد غفلت قرار گرفته‌ی بحث نبوت و بسط یک مبحث جدید کلامی در جامعه‌ی فکری کشور است.

## سؤالات تحقیق

آیا وحی یک تجربه‌ی دینی و یا یک شهود ساده است؟  
آیا بین مکاشفات عرفا و وحی انبیاء هیچ تفاوتی نیست؟  
آیا اگر وحی را یک تجربه فرض بگیریم آن تجربه مانند دیگر تجربیات قابل بسط است؟  
آیا منبع وحی تابع این بسط در تجربه‌ی دینی نبی خواهد بود؟

## فرضیات تحقیق

با اینکه رساله حاضر رویکرد تحلیل و انتقاد نظریه بسط تجربه نبوی را دارد و ارائه فرضیات برای چنین پژوهشی لازم نیست اما موارد زیر را می‌توان به عنوان دستاورد این پژوهش آورد.

وحی یک نوع ادراک و راه ارتباط انحصاری بین انبیاء و خداوند است و در اختیار کس دیگری نیست.

هدف از آن تشریح و هدایت بشر است

باب وحی با اتمام دوره‌ی سالت حضرت محمد(ص) بر مردم بسته شده است اما

باب مشاهدات عرفانی همچنان باز است

با این حال کشف و شهود هرگز جای وحی را نمی‌گیرد و نمی‌تواند مانند آن

تشریح و تأسیس دین کند.

وحی که بر پیامبر نازل شد از آنرو که ایشان پیامبر خاتم هستند کفایت کننده‌ی

تمام بشر بعد از او خواهد بود.

### پیشینه تحقیق

آنچه در بسط تجربه‌ی نبوی آمده است در واقع نشان از اثرپذیری فراوان آقای

دکتر عبد الکریم سروش از افکار علامه محمد اقبال لاهوری متفکر شهیر پاکستانی.

دارد. که در اصل بیان جدیدی از افکار اقبال لاهوری در کتاب *احیاء فکر دینی در*

*اسلام* است. دکتر سروش در مقاله‌ی بسط تجربه‌ی نبوی چند بار به این کتاب ارجاع

می‌دهد و بعضاً افکار اقبال لاهوری را مطرح می‌سازد.

نظریه‌ی بسط تجربه‌ی نبوی دقیقاً همان روندی را طی می‌کند که مرحوم اقبال در

کتاب *احیاء فکر دینی در اسلام* طی کرده است.

در این کتاب مرحوم اقبال اول تلقی خاص خود را از وحی بیان می‌دارد. سپس با

طرح مباحثی حول موضوع رابطه‌ی وحی با انسان و جامعه‌ی انسانی چنین نتیجه

می‌گیرد که ارمغان وحی برای انسان دوره‌ی جدید به مانند گذشته و زمان ظهور آن

احکام و قواعدی برای انسان وضع می‌کند، بلکه نوعی تفکر و نگاه معنوی به انسان

القاء می‌کند.

متفکر شهید مرتضی مطهری رحمه الله علیه این مطلب را در کتاب *مقدمه‌ای بر*

*جهان بینی اسلامی* خود به نحو جالبی و با دقت نظر خاصی بیان می‌کند. و در ادامه این

نظر را در بوته‌ی نقد و بررسی قرار می‌دهد. بنا براین لازم می‌نماید تا نگاهی مختصر به آنچه استاد شهید می‌فرماید داشته باشیم. به اعتقاد مرحوم شهید مطهری علامه‌ی شهیر و متفکر بزرگ اسلامی «اقبال لاهوری» با همه‌ی نکته‌سنجی‌ها در مسائل اسلامی در توجیه و تفسیر فلسفه ختم نبوت سخت دچار اشتباه شده است. وی سخن خویشتن را بر چند اصل مبتنی کرده است:

۱. وحی که از نظر لغوی به معنی آهسته و به نجوا سخن گفتن است. در قرآن مفهوم گسترش یافته‌ای دارد که شامل انواع هدایت‌های مرموز، از هدایت جماد و نبات و حیوان گرفته تا هدایت انسانرا شامل می‌شود.

«این اتصال با ریشه‌ی وجود به هیچ وجه مخصوص آدمی نیست. شکل استعمال کلمه‌ی وحی در قرآن نشان می‌دهد که این کتاب آنرا خاصیتی از زندگی می‌داند، و البته این هست که خصوصیت و شکل آن بر حسب مراحل تکامل زندگی متفاوت است. گیاهی که به آزادی در مکان رشد می‌کند، جانوری که برای سازگار شدن با محیط تازه‌ی زندگی دارای عضو تازه‌ای می‌شود، و انسانی که از اعماق درونی زندگی، روشنی تازه‌ای در یافت می‌کند، همه نماینده‌ی حالات مختلف وحی هستند که بنا بر ضرورت‌های نوعی که این ظرف به آن تعلق دارد، اشکال گوناگونی دارند»<sup>۱</sup>

۲. وحی چیزی از نوع غریزه است و هدایت وحی چیزی از نوع هدایت غریزی است.

۳. وحی هدایت انسان است از نظر جمعی؛ یعنی جامعه‌ی انسانی از نظر آنکه یک واحد است و راه و مسیر و قوانین حرکتی دارد نیازمند است که هدایت شود. نبی آن دستگاه گیرنده‌ای است که به طور غریزی آنچه مورد نیاز است می‌گیرد. می‌گوید:

---

<sup>۱</sup> محمد اقبال لاهوری، احیاء فکر دینی در اسلام (تهران: حیات نو، [بی‌تا])، ص ۱۴۴-۱۴۵

«حیات جهانی به صورت اشراقی نیازمندیهای خود را می‌بیند و در لحظه‌ای بحرانی امتداد و جهت حرکت خود را تعیین می‌کند. این همان است که در زبان دین به آن نام رسیدن وحی به پیغمبر می‌دهیم.»

۴. «جان داران در مراحل اولیه به وسیله‌ی گزینه‌ی هدایت می‌شوند. هر چه در درجات تکامل بالا می‌روند و نیروی حس و تخیل و اندیشه در آنها رشد می‌کند، از قدرت گزینه کاسته می‌شود و در حقیقت حس و اندیشه‌ی جانشین گزینه می‌شود؛ از این رو حشرات بیشترین و قوی‌ترین غرایز را دارند و انسان کمترین آنها را.»

۵. «جامعه‌ی انسانی از نظر اجتماعی در یک مسیر تکاملی است و همان طور که حیوانات در مراحل ابتدائی نیازمند گزینه بوده‌اند، و تدریجاً که نیروی حس و تخیل و حیانتاً تفکر در آنها رشد یافته هدایت‌های و فکری جانشین هدایت گزینه شده است، جامعه‌ی انسانی نیز در مسیر تکاملی خود کم کم به جایی رسیده که نیروی تعقل در او رشد یافته و همین جهت سبب گزینه (وحی) شده است. می‌گوید:

«در دوران کودکی بشریت، انرژی روانی چیزی را آشکار می‌سازد که من آنها «خود آگاهی پیغمبرانه» می‌نامم و به وسیله‌ی آن در اندیشه‌ی فردی و انتخاب راه زندگی از طریق پیروی از دستورها و داوری‌ها و انتخاب‌ها و راه‌های علمی حاضر و آماده، صرفه جویی می‌شود. ولی با تولد عقل و ملکه‌ی نقادی، زندگی به طمع خود، تشکیل و نمو آن اشکال از خود آگاهی را نیروی روانی در مرحله قدیم تر تکامل بشری به آن صورت جریان داشت، متوقف سازد. آدمی نخست در فرمان شهوت و گزینه است. عقل استدلال کننده که تنها همان سبب تسلط بر محیط است، خود تکاملی و پیشرفتی است و چون عقل تولد یافت بایستی که آنها با جلوگیری از اشکال دیگر معرفت (هدایت‌ها و معرفت‌های غریزی) تقویت کنند.»

۶. جهان بشریت دو دوره‌ی اساسی دارد: دوره‌ی هدایت وحی، و دوره‌ی هدایت تعقل و تفکر در تاریخ. هر چند در جهان قدیم چند دستگاه بزرگ (از قبیل یونان و

روم) وجود داشته اما ارزش چندانی نداشته و بشریت هنوز در دوره‌ی کودکی به سر می‌برده است. می‌گوید:

«شک نیست که در جهان قدیم، در زمانی که انسان در مقایسه با حال حاضر حالت بدوی داشت و کما بیش تحت فرمان تلقین بود چند دستگاه بزرگ فلسفی ایجاد کرده بود، ولی نباید فراموش کرد که این دستگاه سازی در جهان قدیم کار اندیشه‌ی مجرد بوده که نمی‌توانسته است از طبقه‌بندی معتقدات دینی مبهم و سنتها آن سوتر رود و هیچ نقطه‌ی اتکایی درباره‌ی اوضاع عینی زندگی برای ما فراهم نمی‌آورد.»

۷. پیامبر اکرم که پیامبری به او پایان رسیده، هم به جهان قدیم تعلق دارد هم به جهان جدید. از جهت منبع الهامش که وحی است نه مطالعه‌ی تجربی طبیعت و تاریخ به جهان قدیم تعلق دارد، و از جهت روح تعلیماتش که دعوت به تفکر و تعقل و مطالعه‌ی طبیعت و تاریخ است و با تولد این امور کار وحی متوقف می‌شود، به جهان جدید تعلق دارد. می‌گوید:

پس چون به مسأله از این لحاظ نظر شود، باید گفت که چنان می‌نماید که پیغمبر اکرم میان جهان قدیم و جهان جدید ایستاده است. تا آنجا که به منبع الهام وی مربوط می‌شود به جهان قدیم تعلق دارد، و آنجا که روح الهام وی در کار می‌آید متعلق به جهان جدید است. زندگی در وی منابع دیگری از معرفت را اکتشاف می‌کند که شایسته‌ی خط سیر جدید آنست. ظهور و ولادت اسلام، ظهور ولادت عقل برهانی استقرایی است. رسالت با ظهور اسلام، در نتیجه‌ی اکتشاف ضرورت پایان یافتن خود رسالت به حد کمال می‌رسد و این خود مستلزم دریافت هوشمندانگی این امر است که زندگی نمی‌تواند پیوسته در محله‌ی کودکی و رهبری شده از خارج باقی بماند. القای کاهنی و سلطنت میراثی در اسلام، توجه دائمی به عقل و تجربه در قرآن و اهمیتی که



این کتاب مبین به طبیعت و تاریخ به عنوان منابع تاریخ بشری می‌دهد، همه سیماهای مختلف اندیشه‌ی واحد ختم دوره‌ی رسالت است<sup>۱</sup>

آوردن خلاصه افکار علامه اقبال لاهوری به عنوان پیشینه بحث بسط تجربه نبوی از آن روی است که ضمن بیان تشابه ساختاری آن با مباحث‌های دکتر سروش درباره تجربه نبوی، برخی از ابعاد آن روشن‌تر گردد.

---

<sup>۱</sup> - همان، ص ۱۴۶

# فصل اول:

## تعاریف و کلیات

## مبحث اول:

### تلخیص و تقریر مقاله بسط تجربه دینی

ابتدای مقاله مذکور اشاره‌ای به وجوه امتیاز حضرت نبی (ص) و دیگر رهبران مکاتب است. از برشمردن خصایص ایندو چنین نتیجه گرفته می‌شود که فصل ممیز پیامبر از دیگر صاحبان مکتب قابلیت دست یابی پیامبر به مدرکات ویژه از مجاری ویژه است. این نوع ادراک چنان که می‌دانید همان وحی است.<sup>۱</sup>

سپس تعریف تجربه دینی و شرح خصایص آن آورده می‌شود و اموری همچون رویای صادق، مکاشفه و شهود در زمره مصادیق آن قرار می‌گیرد. از آنجا که وحی همان تجربه دینی دانسته شد، پس می‌توان گفت که وحی یا تجربه دینی یا کشف و شهود امری مشترک بین پیامبران و عارفان و صالحان است.<sup>۲</sup> چنانکه ملاحظه گردید مؤلف<sup>۳</sup> ادعا را بیان می‌کند: ۱. وحی یک تجربه‌ی دینی است. ۲. تجربه‌ی دینی پیامبران قابل بسط و فزونی است. ۳. منبع وحی تابع این بسط و فزونی تجربیات دینی رسول و لوازم آنست. وی سپس برای هر مدعا دلایل خاص را مطرح می‌کند که در فصل بسط تجربه‌ی نبوی در بوته‌ی نقد تفصیلاً دلائل آنها را بررسی می‌کنیم.

در این میان تنها تفاوت پیامبران با غیره در اینست که آنها پس از دست یابی به چنین تجربیاتی به سوی مردم مامور شده تا آنها را هدایت نمایند، این چیزی

<sup>۱</sup> - ر.ک: بسط تجربه دینی (تهران: موسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۸)، ص ۳.

<sup>۲</sup> - ر.ک: همان.

است که عرفا خود را ملزم به آن نمی‌دانند. در اصل ماموریت و رسالت ابلاغ پیام و انتقال مفاد تجربه خود به دیگران وجه تمایز پیامبران از غیره است، نه نزول وحی.<sup>۱</sup>

حال که وحی امری مشترک بین انبیاء و غیرانبیاء است راه درست ایمان آوردن و در کل راه شناختن آنها توجه به تجربیات دینی ایشان است، نه معجزات صادر شده توسط آنها. بدین نحو که یا خود باید به این تجربیات نائل گردیم یا باید از صاحبان چنین تجربیاتی مهر تایید نبوت آنها را دریافت کنیم.<sup>۲</sup>

در مقدمه دوم بحث جُدیدِ مطرح می‌گردد و آن اینکه وحی یک نوع تجربه است و پیامبری خلاصه این تجربیات. و چون هر تجربه‌ای قابل بسط و افزایش است و می‌تواند با افزایش و قوت خود صاحبش را مجرب‌تر کند، پس تجربه‌ی دینی پیامبری هم می‌تواند غنی‌تر، قوی‌تر و به عبارتی مبسوط‌تر شود.<sup>۳</sup>

این ادعا در برخی آیات و روایات و داستان‌های تاریخی [البته به زعم مولف] مورد تایید قرار می‌گیرد. پس از آنجا که شخصیت پیامبر محل و موجد چنین تجربیاتی است بسط آن موجب بسط تجارب دینی او و بالعکس خواهد شد.<sup>۴</sup> به عبارتی تجربه دینی پیامبر و شخصیت او تاثیر متقابل بر یکدیگر خواهند گذاشت، و بسط هر کدام انبساط دیگری را به دنبال خواهد داشت. لذا وحی است که تابع شخصیت نبی است، نه آنکه پیامبر تابع وحی باشد.

او نه تابع جبرئیل که جبرئیل تابع اوست و ملک را او نازل می‌کند. و در جایی هم که بخواید از آن درمی‌گذرد.<sup>۵</sup> بدین ترتیب چنین به نظر می‌رسد که وحی واقعه‌ای درونی و انفسی در شخص نبی است و نفس پیامبر سرچشمه وحی

۱- ر.ک: همان، ص ۴.

۲- ر.ک: همان، ص ۷.

۳- ر.ک: همان، ص ۱۰.

۴- ر.ک: همان، ص ۱۱-۱۳.

۵- ر.ک: همان، ص ۱۴.